

غلامحمد زارع

## هیچ آینده ای بدون گذشته وجود ندارد

کودکان و جوانان چشم و چراغ آینده ما بوده، تربیه ای شان با روحیه ای وطنپرستی و مساعد ساختن زمینه های تعلیم علوم یکی از وظایف مهم سیستم تعلیم و تربیه کشور و بخصوص وزارت معارف میباشد. فراگیری علوم مثبتی که بدون آن نمیتوان راه ترقی و تمدن را پیمود، نمیتواند ساحه را برای با خبری از تاریخ، جغرافیه و ادبیات مروج تنگ سازد. سیانس دان محقق و دانشور که از تاریخ کشور خود اندک آگاه است و یا نا آگاه مانده کمتر میتواند شرایط و اوضاع جامعه را بدرستی درک و تحلیل نموده و از دست آورد های علم و تکنیک به نفع مردم و جامعه استفاده معقول و مناسب نماید. بی خبری از گذشته ها؛ عدم فهم از خوبی ها و بدی های ارباب امور در گذشته؛ بی اطلاعی از زشتی ها و ناهنجاری ها؛ نا اشنای با درد ها و الام، ویرانی ها، انسان سوزی ها، بی عزتی ها و بی ناموسی ها، بمباردمان ها و راکت پرانی ها، تخریب شهر ها قرأ و قصبات، قتل ها و ادمکشی ها، تخریب زیر بنا های اقتصادی و اجتماعی کشور، در دادن و به آتش کشیدن مکاتب و مدارس، انفجار پل ها و راه های عامه، فروپاشاندن بنیاد های نظامی و انتظامی؛ دشمنی با علم و فرهنگ، مکتب و موسسات تحصیلات عالی؛ بی عزتی به زن و بدنام سازی موسسات و مکاتب دخترانه؛ پامال نمودن حقوق و آزادی های انسانی؛ زیر پا گذاشتن نورم های دموکراتیک و آزادی های مدنی، اینها اند تاریخ دهه های اخیر که وزارت معارف نمی خواهد شاگردان مکاتب از آن اطلاع یابند.

زورمندان نمی خواهند جوانان کشور بدانند که در زمان زمامداری کدام حزب و تنظیم به عزت و ناموس خواهران و مادران شان تجاوز صورت گرفته؛ در عصر کدام زورگو عزیزان شان از نعمت زنده گی محروم گردیده است؛ در کدام دوره و توسط کیها مکتب و مدرسه ای که در آن برادران و خواهران بزرگتر شان تعلیم میدیدند سوختانده و یا منفجر گردیده و آنها از بهره سواد محروم مانده اند؛ زمامداران بدنام نمی خواهند که شاگردان مکاتب بدانند که در کدام عصر و زمان حکومت های پوشالی و پاتک سالار هموطنش را به گروگان گرفته بودند؛ اربابان بی رعیت ارزو ندارند که جوانان بدانند که در کدام دوره عناصر افراطی و تشنه ای قدرت بخاطر ارضای غرایض حیوانی خود بر سر مردم کابل آتش افروختن؛ آنها نمی خواهند که نسل های آینده بدانند که هفتادو پنج هزار زن، مرد، پیر و جوان و طفل بدست کدام حیوان صفتان در کابل کشته و برباد شدند؛ سردمداران قدرت علاقه ندارند که آینده سازان ما بدانند که کی ها دمار از روزگار مردم زحمتکش و بیچاره افشار برآورده، به عزت و ناموس شان نامردانه تجاوز کرده، هست و بود شانرا به یغما برده اند؛ آنها نمی خواهند که شاگردان مکاتب آگاهی بدست آرند که کی ها بنیاد های اقتصادی، موسسات تولیدی، بانک ها و موزیم ها را چور و چپاول و تخریب نموده کشور ما را به گدایی در جهان مجبور ساخته اند و بالاخره اراکین قدرت نمی خواهند که آینده داران کشور بدانند که کی ها رادیو و تلویزیون را که نشانه های مدرنیتی اند به دار زده و از آن نفرت نشان داده است.

آقای ننگ معین وزارت معارف افغانستان که ننگ جهاد را بالاتر و والاتر از ننگ و ناموس بر باد شده ای مردم کشورش میداند، معتقد است که تدریس تاریخ دوره های اخیر نفاق ملی بوجود آورده و اختلافات قومی را تقویه می نماید. آیا واقعاً چنین است؟ پنهان کاری و ترس از واقعیت های تاریخی نه تنها وفاق ملی بوجود نیآورده بلکه هنوز اختلافات قومی و ملی را تقویه نموده و جفا در حق کسانی است که عزیزان خود را از دست داده، بی عزت شده به حریم خانه و خانواده اش تجاوز گردیده و دادخواهی نداشته و اکنون هم نا جوانمردانه بر این جنایات پرده کشیده میشود.

برای رفع عقده ها میان مردم و اختلافات میان اقوام و قبایل باید اعمال و کردار زمامداران دهه های اخیر مورد بررسی علمی قرار گرفته، از روی کار کردهای شان پرده برداشته شده، خوبی ها و زیشتی های شان افتابی گردیده و بد کرداران محاکمه و مجازات گردند تا از یکطرف مردم بدانند که آنهاست که در حق شان ظلم روا داشته بودند به جزایی اعمال شان رسیدن و از سوی دیگر اعتماد مردم به دولت و جامعه بالا رفته و زمینه های مناسب مردم سالاری مساعد گردیده و عقده ها حل شده و اختلافات از میان برود. انهاییکه از اعمال گذشته خود شرمسار اند باید شهامت داشته از مردم و جامعه معذرت بخواهند نه اینکه زیر نام وفاق ملی خود را پنهان کرده عقده ها و اختلافات در جامعه را تشدید بدارند.

آنچه مربوط به تاریخ در مکاتب میشود، برخلاف ادعای رهبری وزارت معارف، کتب درسی تاریخ در دوره های قبلی در مورد شاهان و امرای کشور بحث های مفصل، شامل سال جلوس و طرز یا شیوه جلوس (به زور شمشیر و یا صلح آمیز)، کارکرد ها بعضاً خوبی ها و بدی ها، جنگ های داخلی و خارجی، تعداد خانواده و اختلافات داخل نظام و وقایع و پیش آمد ها، پیشرفت صنایع، معارف، زراعت و نظام و... تذکراتی داشته است. در غیر آن اینکه

در کدام سال ها کی ها حکومت کرده اند بدون ذکر وقایع ، حوادث و خدمات اندوره ، در حقیقت مسخ تاریخ به نفع زورمندان چیزی بیشتر نیست .

اگر در کشور های غربی که مقامات وزارت معارف مثال می آورند بعضاً از یاد آوری کار کرد های زعیم ویا یک دوره مشخص انصراف به عمل می آید ، در این کشور ها شاگردان از کتابخانه های که به قدر کفایت اسناد و کتب تاریخی در آن وجود دارد و امکانات انترنت به شکل وسیع مساعد است ، استفاده می نمایند . وسایل اطلاعات جمعی نشرات و تبلیغات در زمینه های مختلف داشته و شاگردان روی موضوعات مختلف تاریخی کنفرانس گرفته به توضیح و تشریح وقایع و حوادث دوره های مختلف با استفاده از امکانات داخل وخارج مکتب می پردازند . ولی در کشور ما حداقل این امکانات وجود ندارد . نه کتب کافی وجود دارد نه انترنت و نه هم امکانات دیگر ، پس چگونه میتوان از این کشور ها نمونه برداشت .

گویند تاریخ آینه ای عقب نمای جامعه است . اگر تاریخ نویسان ما همت نکنند بدون غرض و مرض وقایع دهه های اخیر را که هنوز مجریان و اشتراک کننده های آن در قید حیات اند و اسناد و شواهد کافی هم وجود دارد تحریر نمایند ، در طی چند سال آینده شاهدان عینی و اسناد تاریخی تلف گردیده وباز مجبور خواهند بود که از اسناد و کتب تحریر شده در خارج از کشور که اکثراً مسخ تاریخ است تا خود تاریخ ، استفاده نموده خود وجامعه را گمراه ساخته و زمینه های تقلب در تاریخ و اسناد تاریخی را فراهم آورند .

اگر در زیر کاسه نیم کاسه ای وجود ندارد ، ما باید از روشن شدن اذهان جوانان و باخیر شدن شان از وقایع و حوادث تاریخی و بیداری مردم ترس و تشویش داشته باشیم . جوانان باید با سیاست و تاریخ کشور خود آشنایی حاصل کنند تا بتوانند در انتخاب رهبران و شیوه های رهبری در کشور نظر سالم داشته ، امکانات انکشاف و پیشرفت و ترقی جامعه را فراهم سازند .

پایان

2012 . 02 . 12